

افزایشی که مورد تایید اکثریت مشتاق سینما نیست. سرمایه‌داران سینماها بعد از اولتیماتومهای پی در پی فرمان تعطیل سینماها را از روز دوشنبه ۲۶ تیر ماه صادر کرده‌اند و بزودی بعد از حرفها و صحبت‌های بسیار درهای کوچک و بزرگ سینماها به‌روی تماشاچیان بسته خواهد شد.

هزاران تماشاگر فیلم از این پس چه خواهند کرد؟ گمانیکه برای وقت‌گذرانی گاه هفته‌ای پنج بار در سالنهای خفه و فضای شلوغ سینماها به تماشای فیلم می‌نشینند، از این به بعد در کدام محل وقت را خواهند گشت؟

روزنامه‌ی آیندگان در صفحه‌ی اول خود، با تیتر درشت "تعطیل عمومی سینماها امروز آغاز شد"، دست به یک نظرخواهی از چند دولتمرد و رضائوری رئیس انجمن سینماداران می‌زند: \*

"داریوش همایون وزیر اطلاعات و جهانگردی و سخنگوی دولت دیشب در این باره فقط به آیندگان گفت، موضع دولت در مورد مساله سینماداران همانست که از روز نخست گفتیم. سخنگوی دولت پیش از این گفته بود که دولت در تعیین بهای بلیت سینماها دخالت نخواهد کرد. و عقیده دارد که این مساله به مردم و سینماداران مربوط می‌شود و آنها باید به توافقی در این زمینه دست یابند."

"شهرستانی، شهردار تهران دیشب درباره افزایش بهای بلیت سینماها که خواست سینماداران است گفت این موضوع به ما ربطی ندارد و اگر سینماداران قیمت بلیت را افزایش دهند ما از آن جلوگیری نخواهیم کرد."

"دکتر حشمتی معاون وزارت فرهنگ و هنر در زمینه خواست سینماداران گفت که این موضوع در قلمرو مسئولیت او نیست."

"برای یافتن پاسخ این سؤال و نیز شناختن نقطه نظر وزیر فرهنگ و هنر که مسئولیت سینماها در قلمرو وزارتخانه اوست با خانه مهرداد پهلبد تماس گرفته شد ولی وی به این سبب که در سینمای خصوصی‌اش سرگرم دیدن فیلم بود حاضر نشد با آیندگان گفتگو کند."

"رضائوری رئیس انجمن سینماداران درباره تعطیل عمومی سینماها که از امروز آغاز می‌شود اظهار داشت هرآنچه باید گفته می‌شد پیش از این گفته شده است و موضوع تازه‌ای برای گفتن ندارد."

اعتصاب سینماها ۲۴ ساعت بیشتر دوام نمی‌آورد، و فعالیت را به این شرط که پانزده روز برای رسیدن به خواست‌هایشان مهلت می‌دهند، از سر می‌گیرند. بعد از گذشت پانزده روز، نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود و سینماها مجدداً اعتصاب می‌کنند. دوسینما (تاج و مولن‌روژ) اعتصاب را می‌شکنند... و سینماها همچنان می‌سوزند.

در سال ۵۷، از میان فیلم آماده نمایش فقط ۱۸ فیلم به نمایش درمی آید. \* تعدادی هرگز به اکران راه نمی یابند و تعدادی فیلم نیز بعد از انقلاب نمایش داده می شوند. در میان فیلمهای نمایش داده شده در سال ۵۷، چهار فیلم قابل توجه وجود دارد. "دایره مینا" ساختهی مهرجوئی، "گزارش" عباس کیارستمی، "سفر سنگ" کیمیایی و "مرتبه"ی امیر نادری.

• "دایره مینا"، کارگردان: داریوش مهرجوئی - فیلمنامه: غلامحسین ساعدی و مهرجوئی - بازیگران: انتظامی، علی نصیریان، فروزان، بهمن فرسی، اسماعیل محمدی و سعید کنگرانی - فیلمبردار: هوشنگ بهارلو.

حکایت دایره مینا، حکایت تلخ و گزندهی زندگی محرومانی است که برای گذران زندگی و کسب پول جهت خرید مواد مخدر، خون خود را می فروشند. کار مهرجوئی، در دایرهی مینا، سعی در بازتاب این جریان هولناک است. فیلمی که قصه اش هر بینندهای را به حیرت و تعجب وامی دارد. مهرجوئی نشان می دهد که چگونه مردمی برای مخصری پول، حیات خود را می فروشند و چگونه زالوصفتان خون این مردم را می مکند و هر روز فربه تر می شوند. بنظر می رسد، فیلمساز خواسته است با بردن دوربین به پنهانی ترین زوایای زندگی این دسته از محرومان، دین خود را به عنوان سینماگری متعهد و مردمی ادا کند. فیلم، اما، مخالفانی نیز دارد. جهانبخش نورائی، در نقد "معرکه گیری با استخوان پوسیده" \*\* می نویسد:

"دایره مینا" حکایت پسری است که پدرش را برای مداوا به شهر می آورد، در دام دغلبازان و دلال های خون می افتد و سرانجام در صف شکارچی ها قرار می گیرد و خود، در اگولائی سنگدل می شود.

فیلم به سبب "پرده دری های اجتماعی، موضع انتقادی اش در برابر فساد بیمارستان ها" و "ارائه فقر و درماندگی لایه های پائین جامعه" در محاق توقیف می افتد و چند سال جلوی نمایش آن گرفته می شود.

مصاحبه های کارگردان دربارهی مضامین افشاگراندی "دایره مینا" و نوشته های آتشین کسانی که فیلم را در جلسه های خصوصی دیده و ستوده اند، کار خود را می کند؛ از یگو برای فیلم انبوهی تماشاگر مشتاق و منتظر به وجود می آید، و از سوئی همگام با نرم شدن سیاست ممیزی مملکت، "دایره مینا" پروانه نمایش می گیرد. حالا، آخرین ساختنی

\* این نکتهی در خور توجه، در مورد سینما وجود داشت که به دلیل سلطه ی جوانقلابی سال ۵۷، گروه کثیری سینما را به دست فراموشی سپرد و یا آنرا طرد کرده بودند. گروهی هم بودند که بواسطه ی آتش سوزی سینماها، از رفتن به سینما واهمه داشتند. گشته شدن صدها نفر در سینما رکس آبادان در این مورد نقش مهمی داشت، چنانکه بعد از آن، تعداد تماشاگران یک سانس بعضی از سینماها بیشتر از یکی دو ردیف نبود.

\*\* آیندگان، ۳ اردیبهشت ۵۷

مهرجویی روی پرده‌ی همگانی‌ست و مردم برای دیدن آن صف‌های طولانی می‌بندند. پس فیلم از این نظر موفق شده.

اما اگر خود را از زیر بار تبلیغات (صادقاندای) که برای "تعهد اجتماعی" فیلم شده‌ها کنیم، و عواطفمان را یکسره در اختیار فلاکت رقت‌انگیز آدمهای "بدبخت" فیلم بگذاریم، خواهیم دید که "دایره‌مینا" یک اثر سینمایی‌ست، کم‌مایه و - در چند مورد - جعلی است.

بعد از این مقدمه، مسعد دست به بررسی همه‌جانبه‌ی فیلم رده و بر ساختمان فیلم، رمبسه‌های اجتماعی فصد، فیلمنامه و شیوه‌ی پروراندن شخصیت‌های اصلی و فرعی ایراداتی می‌گیرد و به این سبجه می‌رسد:

"سینمایی که مهرجویی در آن گام می‌زند، برای آگاهسازی ذهن‌های تخدیر شده واجب است، اما نه به آن گونه که او نشان می‌دهد. در واقع مهرجویی با یک مشت استخوان پوسیده معرکه گرفتار است."

ه. "گزارش"، نویسنده و کارگردان: عباس کیارستمی - تهیه کننده: بهمن فرمان‌آرا - فیلمبردار: علیرضا زرین دست - بازیگران: شهره آغداشلو، کوروش افشار پناه و مصطفی طاری - محصول شرکت کسروش صابع سینمایی ایران

"گزارش" مطرح کننده‌ی چگونگی زندگی قشر متوسط جامعه ایران در رژیم گذشته است. کیارستمی با این فیلم نشان می‌دهد که شناخت درست و کاملی از شیوه و مناسبات اجتماعی افراد دارد. فیلم نمایشگر زندگی یک کارمند است که نمی‌خواهد بن به حقه‌بازی و زد و بند‌های اداری بدهد، بدین سبب نمی‌تواند در قالب‌های تعیین شده بکند، "سینما" از اداره که برای او حکم منبع باطن نان و آب را دارد رانده می‌شود و در دیگر مکان‌های جامعه نیز حائی ندارد، حتی در چارچوب زندگی زمانه‌ی آن.

گزارش کیارستمی، بیان صادقانه‌ای از چگونگی خرد شدن چنین افرادی در جامعه است. زیبایی کار کیارستمی در آن است که علت و معلول را، بدون هیاهو و شعار، همبای هم مورد بررسی قرار می‌دهد. کار او آئینه تمام‌نمایی است از بلخی و بی‌تمری زندگی کارمندی در نظام پیشین.

بهزاد عشقی، با این اعتقاد که "کیارستمی چه از جهت فلسفه فیلم و چه از جهت شیوه انتقال این فلسفه فاقد تخیلی هنرمندانه است، اما با این همه گزارش، گزارش ساده واقعیت نیست، نحسب هنرمندانه آن است." با عنوان "گزارش: نحسب هنرمندانه واقعیت" درباره این فیلم می‌نویسد: \*

"گزارش نخستین فیلم ایرانی در تبیین ماهیت قشرهای خاصی از طبقه متوسط شهر است. نیز در بکارگیری استیل "سینما - حقیقت" علیرغم ادعای چند فیلم دیگر

ایرانی، "گزارش" اولین است. چرا که با تسلطی حرفه‌ای از توانایی‌های استیل "سینما - حقیقت" در ارتباطی اندام‌واره با مضمون مورد نظرش، بهره میگیرد. "گزارش" سینمایی متحول و دگرگون‌ساز است. چرا که برخلاف این تز که تجسم مسائل طبقه متوسط را لازم نمیداند، و لاجرم هنر ناقل این مفاهیم را بی‌اعتبار می‌شمارد، گزارش ثابت می‌کند که معضلات این طبقه، از مشکلات قابل طرح جامعه ایران است.

ه "مرثیه"، نویسنده و کارگردان: امیر نادری - تهیه کننده: علی مرتضوی - فیلمبردار: رضا مجاوری - بازیگران: منوچهر احمدی و مریم - محصول خانه فیلم ایران.

این فیلم از نظر احساسی که به تماشاگر انتقال می‌دهد، رنگ و بوی دیگر آثار نادری را دارد، به‌اضافه‌ی ویژگی‌هایی در زمینه‌ی پرداخت مستندگونه. نادری از نگاه مردی که با تفنگ بادی سراسر شهر را زیر پا می‌گذارد، تصویری دقیق و واقع‌گرایانه از زندگی مردم محروم به دست می‌دهد.

مرثیه، حکایت مردی است که تازه از زندان رها شده است. او برای کسب معاش به هر دری می‌زند. نزد جوراب‌باف، کفاش، بقال، و دیگر شاغلانی از این دست می‌رود، اما آنها کمکی از دستشان بر نمی‌آید. چرا که خود در کشاکش روابط استثمارگرانه متلاشی شده‌اند. مرد با اندک اندوختهاش تفنگی بادی می‌خرد. و طی فیلم می‌بینیم که تفنگ نمادی از بی‌فدرسی، باس و مبارزه‌ای است که راه به‌جایی نمی‌برد.

احمد شیرازی، با عنوان "مرثیه: تماشای واقعیت از نگاه نادری"\*. راجع به فیلم نظر

می‌دهد:

"نگرش نادری به انسان و محیط ظاهرا از یک شیوه رئالیستی تبعیت می‌کند اما او هنوز کمال و پختگی یک رئالیست را نیافته است. آثار او در حد شیوه "ناتورالیستی" باقی می‌ماند و نادری هیچگاه نمی‌تواند پوستدی ناتورالیسم را کنار زده و به تحلیل واقعیت بپردازد. این موضوع به‌خصوص در فیلم مرثیه قابل توجه است. دوربین او در این فیلم یک چشم بیطرف است که همواره رویدادها را همانطور که هستند ضبط می‌کند. به عبارت دیگر او به‌نمایش ظاهری واقعیت اکتفا کرده و به بررسی و تحلیل آن نمی‌پردازد. به همین علت شیوه تصویرسازی فیلم "مرثیه" در یک فضای مستندگونه محدود می‌شود و نادری فقط خود را به ردیف کردن تصاویر محدود کرده است."

ه "سفر سنگ"، نویسنده و کارگردان: مسعود کیمیایی - فیلمبردار: بهارلو - موسیقی متن:

مجید انتظامی - بازیگران: سعید راد، فرزانه تائیدی، حسین کیل، گیتی، حمید طاعتی و جعفر والی - براساس داستان "سنگ و سرنا" نوشته بهزاد فراهانی.

در این فیلم می‌بینیم که ارباب روستا، مالک تنها آسیاب آبادی است و از ساخته شدن آسیاب دیگری که مخالف منافع اوست جلوگیری می‌کند. اما عده‌ای از ساکنان روستا، مصر به ساختن آسیاب

هستند. سنگ بزرگ آسیاب در جایی دور از روستاست که باید تا آنجا حمل شود. یک کولی به روسنا می‌آید و با کمک یک آهنگر و چند تن دیگر، عزم آوردن سنگ آسیاب را می‌کنند و به‌رغم توطئه‌چینی آدمهای ارباب، سنگ را با زحمت بسیار به روسنا می‌آورند. سنگ بزرگ در پایان خانه ارباب را ویران می‌کند.

همانگونه که قبلاً گفته شد، کیمیایی با توجه نشان دادن به مسائل اجتماعی و سیاسی زمان خود و تلفیق این مسائل با مایه‌های مردم‌پسند، غالباً فیلمهایی موفق ساخته است. "سفر سنگ" هنگامی ساخته شد و به‌نمایش درآمد که نخستین جرقه‌های انقلاب در ایران زده شده بود و به این جهت، با استقبال گرم تماشاگران روبرو شد. "سفر سنگ" مانند همه فیلمهای کیمیایی از ساخت و تکنیک خوبی برخوردار است و مانند همه آنها، از ضعف در فیلمنامه و شخصیت‌پردازی رنج می‌برد. به‌علاوه که این‌بار، جنبه‌های بسیار قوی شعاری در فیلم، آن را از یک سینمای ماندگار دور کرده است. سفر سنگ، تنها به‌عنوان یک شعار در یک مقطع خاص زمانی مطرح است.

"سفری خوش‌باورانه در تمثیل‌های تکراری" \* عنوان نقدی است که به‌نام ناطقی بر فیلم سفر سنگ نوشته است:

اگر بپذیریم که مسعود کیمیایی با سفر سنگ راه تازه‌ای را در فیلمسازی‌اش آغاز می‌کند. نمی‌توانیم معتقد باشیم این راه تازه او را به جایی می‌برد که راه گذشته، نمی‌برد. در "سفر سنگ" او همچنان همان فیلمساز متظاهری است که می‌خواهد با استفاده از روش‌های معمول تجاری‌سازی و همچنان بی‌اینکه پروای عناصر هنری فیلم وجود داشته باشد، تصویری نادرست و گاذب از یک سینمای متعهد و به‌اصطلاح اجتماعی بدست دهد. آنچه تفاوت راه را با گذشته نشان می‌زند، در واقع اگر لطمدهای هنری را بیشتر نمی‌کند، به هیچ‌عنوان چیزی از آنها نسبت به گذشته نمی‌گاهد.

... فیلم اجتماعی ساختن هم راه‌هایی دارد. هدف از فیلم اجتماعی، تنها شعار دادن و اشاره کردن به قضایایی که هر تماشاگر بچه‌مدرسه‌ای درباره‌ی ظلم و مبارزه می‌داند، نیست. بلکه شکستن مسئله است. اندیشیدن است. متاسفانه در شرایطی قرار داریم که هر چیز، به‌جای هر چیز، مصرف می‌شود. شجاعت ظاهری هم حالا به‌جای آگاهی به‌کار رفته است. اینها، نه‌تنها محتوای فیلم را از شکل انداخته و به‌آن حالت سرسری‌ای داده است بلکه به شکل فیلم هم به‌کلی لطمه زده است. که البته، همیشه این بحث وجود دارد که در چنین فیلمهایی، این حادثه، مهم نیست.

دیگر فیلمهای نمایش داده شده در سال ۵۷:

آقای لُر به شهر می‌رود، امیر شروان - مشکل آقای اعتماد، اسماعیل پورسعید - محکومین، هادی صابر - سه دل‌باخته، جمشید شبانی - فریادرس، عزیز رفیعی - بوی گندم، محمد دلجو و امیر

مجاهد - برستوهای عاشق ، فریدون ریاحی - خان نایب ، غلامرضا سرکوب - همت ، خسرو پرویزی - قول مرد ، حسین قاسمیوند - کلاغ ، بهرام بیضائی - بن بست ، پرویز صیاد - طغیانگر ، محمود کوشان و سرسیرده ، ایرج قادری .

فیلمهایی که در سال ۵۷ ساخته شدند ، اما هرگز به نمایش عمومی درنیامدند :

برهوت ، موجهر مصیری - خاکسار عشق ، رضا عقیلی - لبه سع ، کامران قدکچیان - سنواز ، قدرت اله بزرگی - برستش ، داود اسماعیلی - وقتی که آسمان بشکفت ، فتح الله منوچهری - تگون نخور بی حرکت (جاهل و محصل) ، (هروئین) ، امیر شروان - شوهران غمزه خانم ، امیر شروان - حربکه بار (نارا و ناشناس) ، بهرام بیضائی - اوکی مسر (سیندرلا) ، پرویز کیمیاوی - تپه ۳۵۳ ، امان منطقی .  
فیلمهایی که در سال ۵۷ ساخته شدند ولی در سال ۵۸ به نمایش درآمدند : با عشق مردن ، اکبر صادقی - بدادم برس رفیق ، مهدی فخم زاده - برادرکشی ، ایرج قادری - بر فراز آسمانها ، فردین - زر خرید ، رضا صفایی - تکیه بر باد ، فریدون زورک - جنگ اطهر ، محمد علی نجفی - حق و ناحق ، عزیز رفیعی - حکم تیر ، ایرج قادری - خیابانی ها ، محمد صفار - زخم خنجر رفیق ، عزیزالله بهادری - سرخیوستها ، غلامحسین لطفی - سروش سازان ، جهانگیر جهانگیری - گدای اشراف زاده ، عزیزالله بهادری - مریم و مانی ، کبرا (شهرزاد) سعیدی - صمد به شهر می رود ، پرویز صیاد - نفس گیر ، محمود کوشان - باغ بلور ، ناصر محمدی - با آخرین نفس ، کامران قدکچیان - مرد خدا ، رضا صفایی - شمر (شیطان) ، اکبر صادقی - ساخت ایران ، امیر نادری (این فیلم فقط در چند شهرستان به نمایش درآمد و در تهران اکران نداشت) - زمزمه محبت ، امیر شروان .

فیلمهایی که در سال ۵۷ ساخته شدند ولی در سال ۵۹ به نمایش درآمدند :

برواز در ففس ، حبیب کاووش - امشب اشکی می ریزد ، موجهر مصیری - فدعن ، علیرضا داوودنژاد - نفس بریده ، سرویس الوند .

نمایش یک فیلم نیز به سال ۱۳۶۵ کشید: "هجرت" ، ساخنهی میلاد .



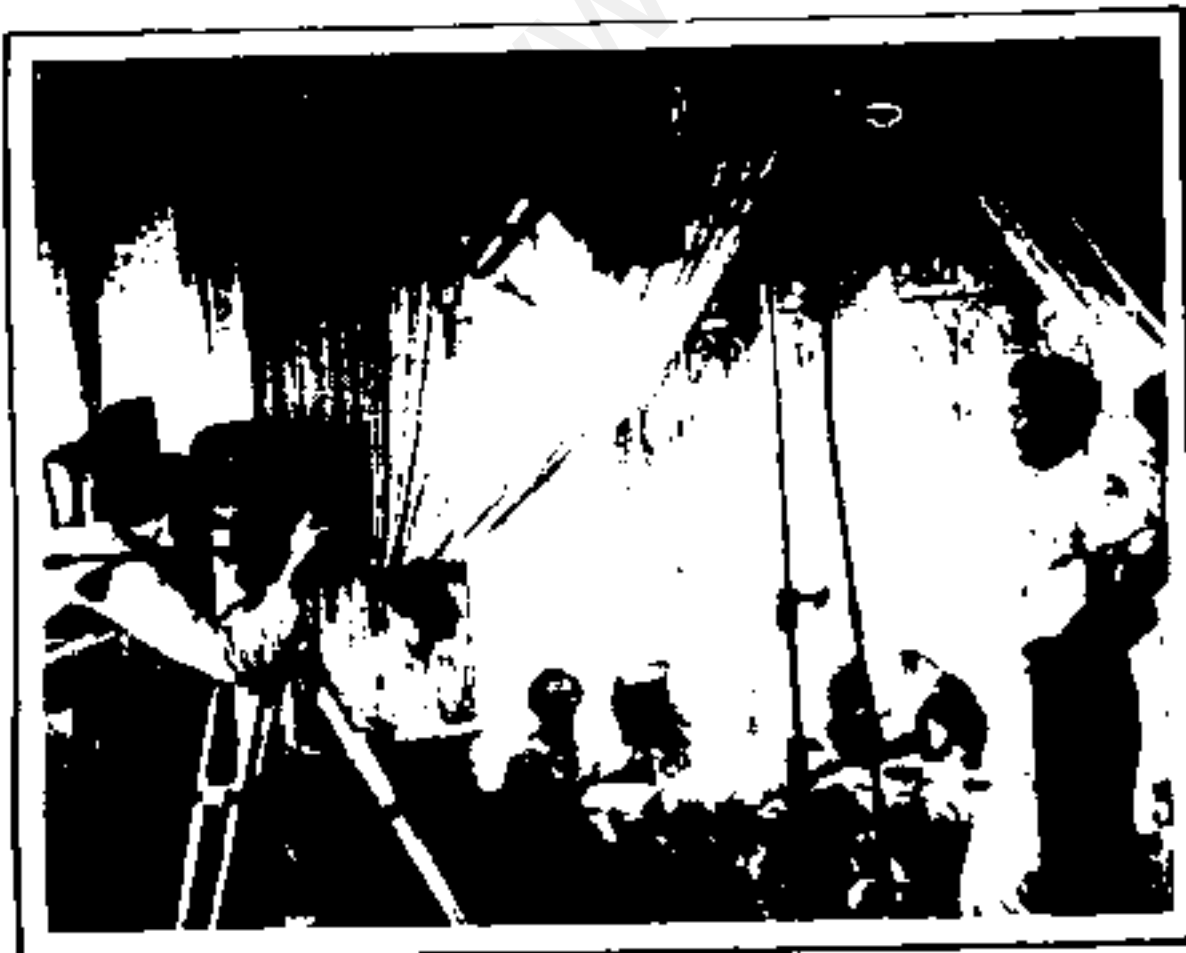
«طوفان زندگی» (۱۳۲۷) ساخته‌ی علی دریاسیکی. آغازگر پس از سالهای سکوت



«ولگرد» (۱۳۳۱)  
ساخته‌ی مهدی رئیس فیروز.  
نخستین فیلم پرفروش دوره دوم،  
بر اساس یک فیلم فرانسوی  
به همین نام.



ناصر ملک مطیعی  
ه "چهارراه حوادث" (۱۳۳۳)  
ساخته‌ی ساموئل خاچیکیان



ه بست صحنه‌ی "شهیدی عماد" (۱۳۳۲)  
ساخته‌ی صمد صباغی، محسن نبلی  
که مدخلت لهدی ناماست ماریکران،  
در استودیو صدآندازی شد.





ناصر ملک مطیعی  
ه "هفده روز بعد اعدام" (۱۳۳۵)  
ساخته‌ی هوشنگ گاووسی.  
نخستین فیلم یک منتقد



صادق بهرامی  
ه "سهلول" (۱۳۳۶) ساخته‌ی صادق بهرامی



۵ پشت صحنه‌ی «سه‌نشین» درجه‌نم (۱۳۳۶)

سا ختدی سا موئل خا چیکیان و موئوق سروری . نخیل درا ستود بیو



«رستم و سهراب» (۱۳۳۶)  
ساخته مهدی رئیس فیروز.  
اسطوره‌ی ملی در جنگال فیلمفارسی.



جعفر توکل ، مجید محسنی  
"بلبل مزرعه" (۱۳۳۶)  
ساخته‌ی مجید محسنی .  
نخستین تویی که برای مسخ  
زندگی و فرهنگ روستایی شلیک می‌شود .

"جنوب شهر" (۱۳۳۷)  
ساخته‌ی فرخ غفاری . موضوع فیلم ، به‌اضافه‌ی  
ریختن قهوه روی سینه‌ی باتمانقلیچ -  
مقام بلند پایه نظامی - در جلسه‌ی خصوصی  
"جنوب شهر" ، باعث توقیف فیلم می‌شود .





محمد محسنی  
ه "کلات جوانمرد"  
(۱۳۳۷)  
ساخته‌ی محمد محسنی،  
کلاه مخملی‌ها رسماً  
وارد سینما می‌شوند.

آرمان، فردین، ناصر گورچیان ه "فریاد نیمه‌شب" (۱۳۴۵) ساخته‌ی ساموئل خاچیکیان. گام‌های  
نخست سازنده‌اش در تولید فیلم‌های دلبره آور.





ناصر ملک مطیعی  
«آرامش قبل از طوفان» (۱۳۴۰) ساختنی خسرو بیرویزی



همایون ، فردین  
«کرکهای گرسنه» (۱۳۴۱)  
ساختنی محمدعلی فردین .  
جمایی سازی ، همدمگیر می شود



گریگوری ماری، اکبر هاشمی  
ه "آخرین کدرگاه" (۱۳۴۱) ساخته‌ی حسرو پرویزی.



فردین  
ه "زن‌ها فرستهند" (۱۳۴۲)  
ساخته‌ی اسماعیل پورسعید.  
فردین در لباس جاهلی!





غلامحسین نقشینه ، محمد علی جعفری  
ه "ساحل انتظار" (۱۳۴۲) ساخته‌ی سیامک یاسمی.



سنجری ، مهدی لواسانی  
ه "سرکش" (۱۳۴۳)  
ساخته‌ی صمد صباغی.





محمد علی کشاورز  
ه "شب قوزی" (۱۳۴۳)  
ساخته‌ی فرخ غفاری.  
یک حرقه در تاریکی



مجید محسنی ، روح‌الله مفیدی ، فردین ، آرمان  
ه "انسانها" (۱۳۴۳) ساخته‌ی مهدی میثاقیه و آرام‌ائیس آقامالیان . موفق در برانگیختن احساسات .  
تاجی احمدی  
ه "خشت و آئینه" (۱۳۴۴) ساخته‌ی ابراهیم گلستان . گمشده در هیاهوی قارونیسیم





ویگن ، منصور سپهرنیا ، آرمان  
ه "عروس دریا" (۱۳۴۴)  
ساخته‌ی آرمان . تحریریه‌ی  
یک بازیگر در کارگردانی .

کرشا رئوفی ، منصور سپهرنیا ، محمد متوسلانی .  
ه "سه ناقله در ژاپن" (۱۳۴۵) ساخته‌ی محمد متوسلانی . استفاده از مکان تازه برای ایجاد تنوع در  
فیلمهای سدفری





«سیاوش در تخت حمشید»  
(۱۳۴۶)  
ساخته‌ی فریدون رهنما.  
نگرشی غیرمتعارف به تاریخ

همایون، اکبر گلپایگانی  
«مرد حنجره طلایی» (۱۳۴۷) ساخته‌ی مهدی میثاقیه. استفاده از مقبولیت آوازدهخواسها در سینما.





اشراق ، عدیله  
"شوهر آهو خانم" (۱۳۴۷) ساخته‌ی داود ملاپور. شرح دردها و آرزوها در سادگی یک زندگی.



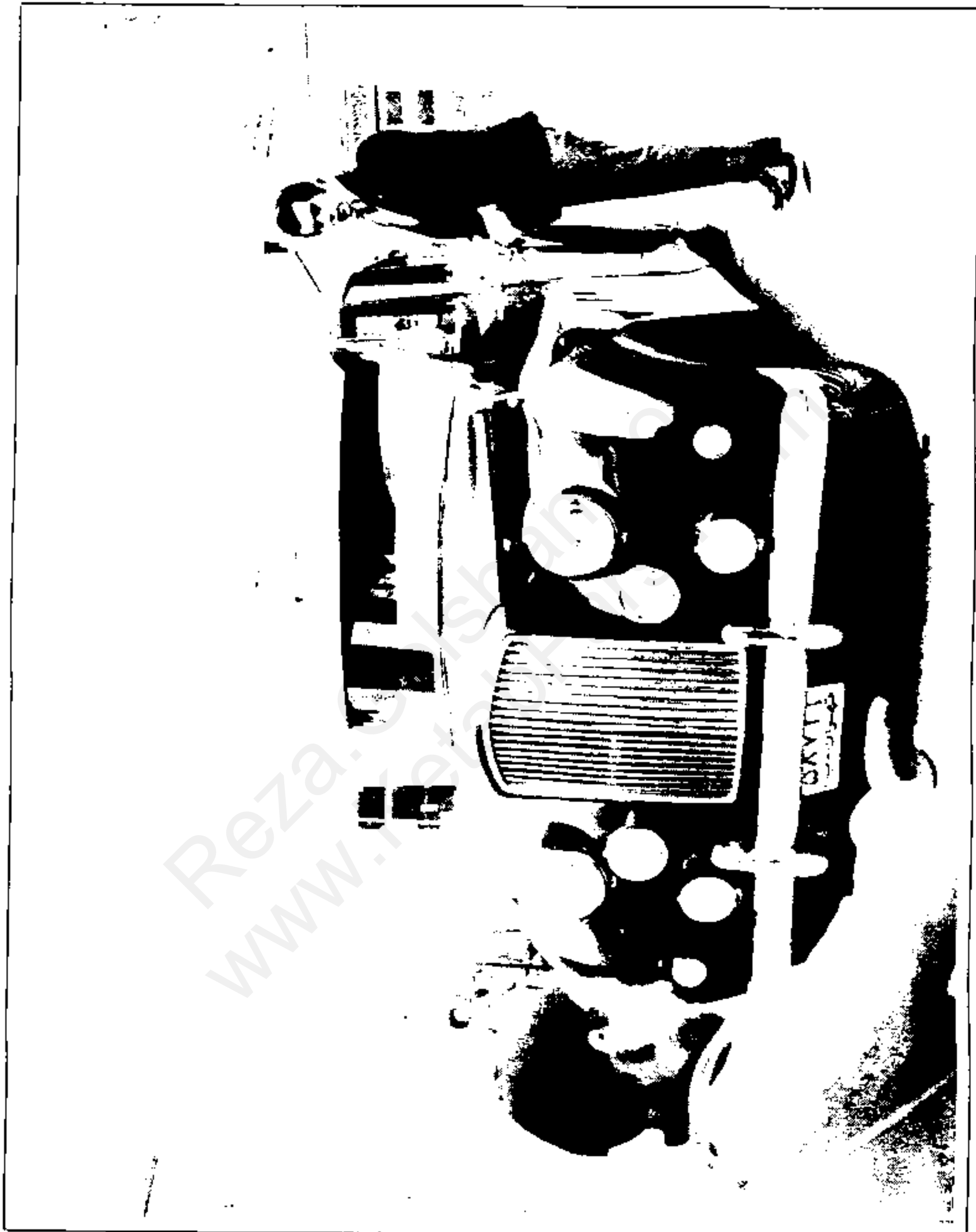
فرزین ، شاندرمنی ،  
محسن مهدوی  
"تگ تازان صحرا" (۱۳۴۷)  
ساخته‌ی احمد صفایی.  
یک وسترن ایرانی!



پرویز فنی زاده، حمشید مشایخی، علی نصیریان، جعفر والی، عزت‌الله انتظامی  
ه "گاو" (۱۳۴۸) ساخته‌ی داریوتر، مهرجویی. نگاهی فلسفی بد مسائل اقتصادی روستا



حمشید مشایخی، ایران دفتری  
ه "قیصر" (۱۳۴۸) ساخته‌ی مسعود کیمیایی.  
سراغاز فصلی تازه، با پیامدهای متفاوت.



بهرروز وثوقی  
«رضا موتوری» (۱۳۴۹) ساخته‌ی مسعود کیمیایی  
با ماهه‌هایی از غم غربت





علی نصیریان  
ه "آقای هالو" (۱۳۴۹) ساختی داریوش مهرجویی  
در دسرهای یک شهرستانی ساده دل در پایتخت .

حسن خیاط باشی ، پرویز صیاد  
ه "حسن کچل" (۱۳۴۹) ساختی علی حاتمی . افسانه و فانتزی ، با بیانی آهنکین







عباس مغفوریان، کنتان کیانی  
ه "یسر زاینده رود" (۱۳۴۹) ساختہی حسین مدنی  
بهمن مفید، ناصر ملک مطیعی، غلامرضا سرکوب  
ه "طوقی" (۱۳۴۹) ساختہی علی حاتمی، تلفیق مایدهای روز با دلمشغولیهای فیلمساز

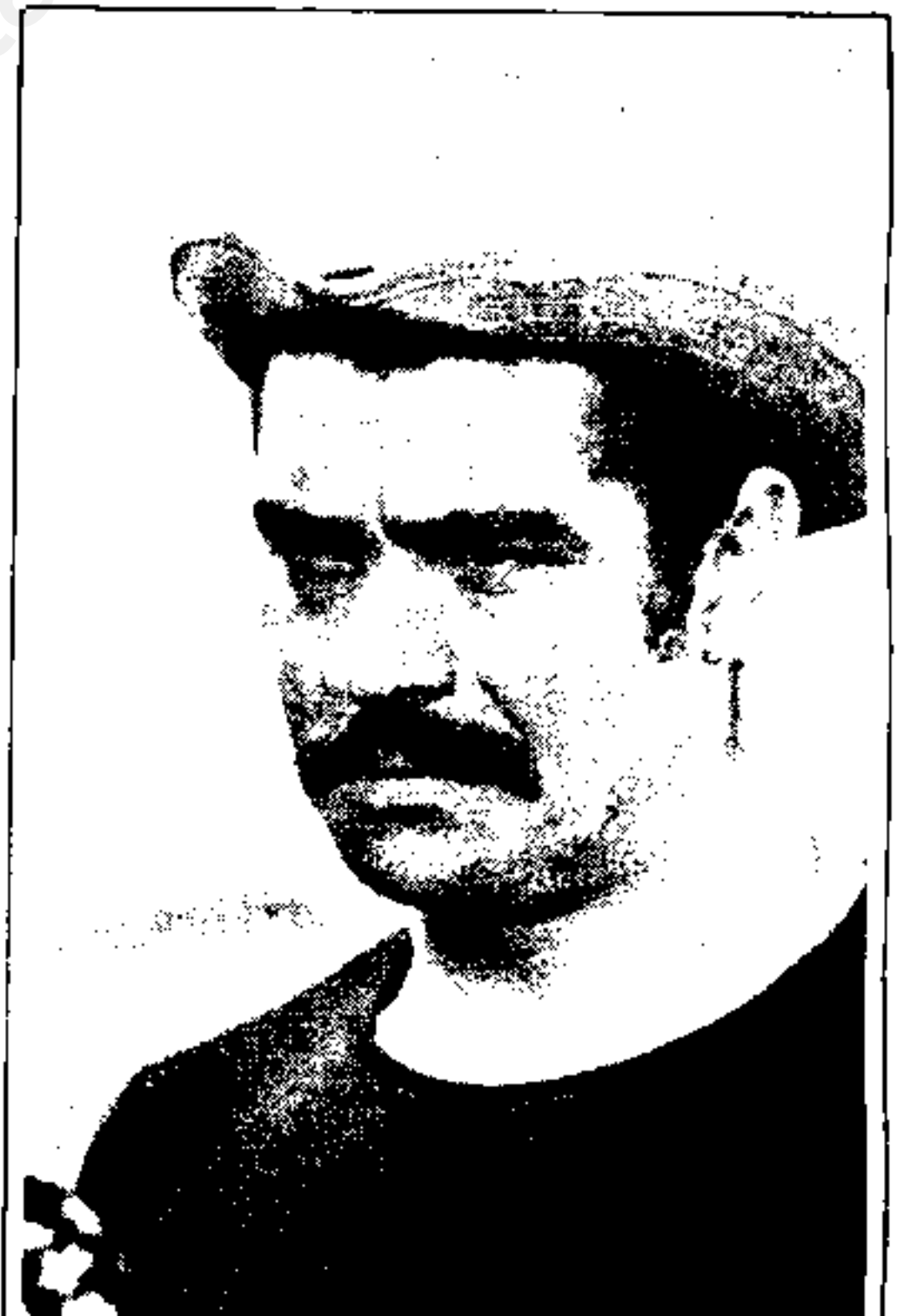




ناصر ملک‌مطیعی  
ه "غلام ژاندارم" (۱۳۵۰) ساخته‌ی امان منطقی



جلال پیشواییان ، سعید راد  
"خدا حافظ رفیق" (۱۳۵۰)  
ساخته‌ی امیر نادری . نمایش یلیدیه‌ها و نومیدیه‌ها



بهروز وثوقی  
"فرار از تلد" (۱۳۵۰) ساخته‌ی جلال مقدم



کنعان کیانی ، جلال پیشوائیان ، بهروز وثوقی  
ه "داش اکل" (۱۳۵۰) ساخته‌ی مسعود کیمیایی . برداشتی جنجال برانگیز از یک اثر معروف ادبی



ناصر ملک مطیعی، فردین .  
«بابا شعل» (۱۳۵۰) ساخته‌ی علی حاتمی . شکست در گام دوم



ناظریان ، صادق بهرامی  
ه "راز درخت سنجد" (۱۳۵۰)  
ساخته‌ی جلال مقدم . کم‌دی گفتار

بدالله شیراندازی ، منوچهر صادقپور  
ه "عزیز قرقی" (۱۳۵۰) ساخته‌ی جواد طاهری ، ترویج فرهنگ لمپنی

